نمایید. چراکه شهامتِ ترامپ در تغییر، امکان تبدیل تفاهمات به مصوبات سنا در آمریکا، و تمرکز قدرت در دست جمهوری‌خواهان؛ وضعیت «ایران و آمریکا» و منافع ایران در منطقه را در «بزنگاهی تاریخی» قرارداده است. وضعیتِ تاریخیِ «حالا یا دیگر هیچ‌وقت»؛ و اینکه شهامت، شهامت می‌طلبد.»

کاش به مردم آمریکا تبریک می‌گفتید

صادق زیباکلام، استاد علوم سیاسی درباره نگرانی‌ها از انتخاب مجدد ترامپ به هم‌میهن گفت: «ترامپ از نظر سیاسی به طیف محافظه‌کار دست راستی تعلق دارد و خیلی ارزش و اهمیتی برای مسائلی مثل حقوق بشر، آزادی، دموکراسی و حفاظت از محیط زیست قائل نیست و ابایی هم از ابراز مواضعش ندارد. برخلاف برخی از سیاستمدارانی که آن‌ها هم خیلی برای حقوق بشر یا محرومین با مردم فلسطین و نوار غزه دل نمی‌سوزانند ولی به نوعی وانمود می‌کنند این مسائل برایشان مهم است. تا به الان یک کلام از آقای ترامپ نشنیده اید که بگوید فلسطینی‌ها و مسلمانان چه بلایی بر سرشان می‌آید؛ یا مهاجرینی که با هزار بدبختی خودشان را به آمریکا رسانده‌اند، خانواده تشکیل داده‌اند و هیچ جرمی مرتکب نشده‌اند، کجا باید بروند؛ اهمیتی به این مسائل نمی‌دهد. از پیمان آب و هوایی پاریس خارج شد انگار نه انگار که ما در دنیا مشکلی به اسم گازهای گلخانه‌ای و گرمایش زمین داریم. انگار که آمریکا وظیفه‌ای در قبال تولید کربن ندارد.» وی افزود: «بنابراین اگر شما رهبر یک کشوری باشید مسائلی مثل محیط زیست برایتان مهم باشد، از آمدن فردی مثل ترامپ نگران می‌شوید. یا مثلاً در موضوع ناتو، ترامپ بارها گفته بود که اگر کشورهای دیگر به طور مشخص اروپایی‌ها می‌خواهند ناتو باقی بماند، باید هزینه‌های آن را تامین کنند. در واقع ترامپ می‌گوید آمریکا فقط می‌خواهد منافع خود را در نظر داشته باشد. در حوزه اقتصاد می‌خواهد تعرفه‌های گمرکی را بالا ببرد که تولید افزایش پیدا کند. اگر کالایی از هند یا چین یا کانادا وارد می‌شود، گرانتر از نمونه آمریکایی آن باشد. این در نهایت به ضرر مصرف‌کننده آمریکایی است. این‌ها به نوعی عقبگرد است. تمام اقتصادهایی که خواستند به ضرب تعرفه جلوی واردات را بگیرند، به مصرف‌کنندگان خودشان ضرر زدند. ترامپ هیچ ابایی از این یکجانبه‌گرایی‌ها ندارد.» زیباکلام ادامه داد: «الان بحث اوکراین برای اروپایی‌ها مطرح است. اگر آمریکایی‌ها حمایت خودشان را از مردم و حکومت اوکراین کم کنند، وضع اوکراین خراب خواهد شد. دیگر فقط اروپایی‌ها می‌مانند که باید کمک کنند به اوکراین تا در برابر اشغالگری روسیه بایستد. مجموع نظرات ترامپ در خصوص مسائل مختلف، اسباب نگرانی است چون فقط مصالح و منافع کوتاه‌مدت برای او مطرح است. بنابراین رهبران کشورهای دیگر که مسائل را تا حدی جهانی می‌بینند و معتقدند که همکاری باید دسته‌جمعی باشد، نگرانی برایشان ایجاد می‌شود.»

این تحلیلگر سیاسی با اشاره به بحران فلسطین، خاطرنشان کرد: «در مورد فلسطین، ترامپ عملاً دارد چک سفید به نتانیاهو و دولت دست راستی اسرائیل می‌دهد که ظرف ۱۳ ماه گذشته از هیچ جنایتی کوتاهی نکردند. آماری که همین دیروز اعلام شد، می‌گوید بیش از ۷۰ درصد قربانیان جنگ در غزه، زنان و کودکان بودند. ترامپ هیچ فشاری نمی‌خواهد بر نتانیاهو بیاورد که این قتل‌عام پایان پیدا کند؟ او همانطور که نسبت به بحران‌هایی مانند محیط‌زیست تعهدی ندارد، نسبت به مسائل بین‌المللی نیز همین‌طور است. حاضر نیست کوچکترین فشاری بر تندروهای اسرائیلی وارد کند که حق و حقوق فلسطینیان را به رسمیت بشناسند. نمی‌گوید که تا وقتی دو کشور به وجود نیاید، مشکلات حل می‌شود. گیریم که اسرائیلی‌ها نوار غزه را با خاک یکسان کنند و ساکنانش را از بین ببرند؛ تکلیف فلسطینیان ساکن اسرائیل و چند میلیون مهاجر خارج از فلسطین چیست؟ آن بچه‌هایی که امروز ۱۰-۱۲ ساله هستند و خانواده‌شان را از دست می‌دهند، ۵ سال دیگر اسلحه به دست می‌گیرند و می‌جنگند. این مناقشه ۷۶ سال ادامه داشته و به این نقطه رسیده اما برای ترامپ اهمیتی ندارد چون نگاه بلندمدتی ندارد.»

زیباکلام درباره واکنش مقامات ایران نسبت به انتخاب ترامپ، اظهار داشت: «در ایران یک باور غلطی ظرف پنج دهه گذشته وجود داشته و آن این است که «فرقی نمی‌کند چه کسی رئیس جمهور آمریکا شود». این نظر همان قدر غلط است که مثلاً بگوییم فرقی نمی‌کند چه کسی در ایران رئیس جمهور باشد. آیا هشت سال دولت خاتمی با هشت سال دولت احمدی‌نژاد یکی بود؟ آیا دولت سه‌ساله مرحوم رئیسی با هشت سال دولت روحانی یکسان بود؟ من از آقای پزشکیان می‌پرسم که اگر سعید جلیلی به جای ایشان رئیس جمهور شده بود، هیچ تفاوتی نمی‌کرد؟ اگر یک فرد مخالف کشور می‌گفت فرقی نمی‌کند چه کسی رئیس جمهور آمریکا شود، قابل پذیرش است چون او خواسته دیگری دارد. ولی نمی‌توان از رئیس جمهوری مانند آقای پزشکیان یا سخنگوی دولت ایشان بپذیریم که بگویند هیچ فرقی ندارد چه کسی رئیس جمهور آمریکا می‌شود. گفته شد که ما برنامه‌ریزی کردیم. سوالم این است که دو ماه دیگر اگر ترامپ پیغام داد که آماده مذاکره هستیم، برنامه ما چیست؟»

وی خاطرنشان کرد: «مسئولین کشور ما بارها گفته‌اند که ما با مردم آمریکا دشمنی نداریم. اگر دشمنی ندارید، به منتخب مردم آمریکا تبریک بگویید که در یک انتخابات حدود ۷۰ درصدی به پیروزی رسیده است. می‌خواهیم به آن‌ها بگوییم چرا ترامپ را انتخاب کردید؟ چرا انتخابات را بایکوت نکردید؟ اگر آقای پزشکیان واقعاً اعتقاد به احترام به مردم آمریکا داشت، باید انتخاب آقای ترامپ را تبریک می‌گفت. همچنان که من معتقدم که آمریکایی‌ها باید انتخاب آقای پزشکیان را تبریک می‌گفتند برای اینکه انتخاب مردم ایران بود که در این انتخابات مشارکت کردند. این رویکرد را من از احمدی‌نژاد یا رئیسی می‌توانستم بفهمم اما از آقای پزشکیان، خیر. یعنی آقای پزشکیان در بحث آمریکا نباید هیچ فرقی با آقای احمدی‌نژاد داشته باشد؟

رویکرد ترامپ به ایران، بستگی به تصمیم تهران دارد

فریدون مجلسی، دیپلمات پیشین و تحلیلگر مسائل بین‌الملل درباره تفاوت واکنش‌های رهبران جهان به انتخاب ترامپ، به هم‌میهن گفت: «برای تحلیل بازگشت ترامپ باید به این فکر کنیم که چه کسانی او را انتخاب کردند و چه توقعاتی دارند. کسانی که ترامپ را انتخاب کردند، به مسائل داخلی آمریکا فکر می‌کنند. مثلاً به این که افزایش بیش از حد مهاجرین غیرقانونی باعث از دست رفتن فرصت‌های شغلی شده است. این‌ها مسائل داخلی آمریکاست که برای مردمش اهمیت دارد اما از لحاظ بین‌المللی باید توجه داشت که دنیا نسبت به چهار سال پیش که او کاخ سفید را ترک کرد، بسیار متفاوت شده است. نتانیاهو بازگشت او را یک پیروزی تاریخی نامید اما نخست‌وزیر اسرائیل شاید توجه به این نکته ندارد که امروز جهان عرب در یک موضع مقتدرانه‌تری نسبت به چهار سال پیش قرار گرفته‌اند. ثروت و صنعتی که در جهان عرب به‌خصوص در عربستان و امارات متمرکز شد، آن‌جا را از نظر بازرگانی به اندازه‌ای مهم کرده که اسرائیل برای بقا در این منطقه باید با آن‌ها ارتباطات نزدیک‌تری داشته باشد. تصور نکنید که عربستان بدون این که مشکل فلسطین حل شود، رابطه‌ای با اسرائیل خواهد داشت. اما راه‌حلی که عربستان از زمان ملک‌عبدالله در پیش گرفته، با راه‌حل حماس متفاوت است.» وی افزود: «کشورهای عربی خواهان تشکیل دولت فلسطین در قالب مرزهای بین‌المللی ۱۹۶۷ طبق قطعنامه ۲۴۲ شورای امنیت با مرکزیت قدس شرقی و خروج شهرک‌نشینان غاصب از سرزمین‌های اشغالی غرب رود اردن هستند که بتوانند به‌صورت مسالمت‌آمیز با اسرائیل زندگی کنند. طرح صلح ابراهیم که تنظیم شده بود، در نهایت می‌خواست به این نقطه برسد. اکنون با این ضربه‌های هولناکی که نتانیاهو به غزه زده، ضمن اینکه کشورهای عربی موافق اصولگرایی و نگاه‌های حماس نیستند اما آن‌ها را به شدت خشمگین کرده است. معتقدند این صلح و سازش باید دوطرفه باشد. در حال حاضر زمان این رسیده است که ترامپ هم این مسئله را بفهمد.» مجلسی تاکید کرد: «ترامپ که نمی‌تواند همیشه به تحریم رو بیاورد. روزی می‌رسد که دیگران او را تحریم کنند. نیاز به بازارهای متنوع جهانی برای همه کشورهاست. اروپا مایل است وارد بازارهایی شود که جنبه جهانی داشته باشد و بتواند بار دیگر موقعیت خودش را برای تولید و صادرات به دست بیاورد. این شرایط جنگی کنونی فقط برای کشورهای منطقه دردسر ایجاد نکرده بلکه برای دنیا مشکل‌آفرین شده است.» دیپلمات پیشین کشورمان در واشنگتن، درباره نگرانی اروپا و ناتو درباره انتخاب ترامپ اظهار داشت: «مثلاً موضع ناتو را نگاه کنید. ترامپ بیش از پیش خواهان آن است که اروپا خودش هزینه دفاع از خودش را بپردازد. در مورد اوکراین تمایلش به تجارت بیشتر است و تجارت ایجاب می‌کند که جنگ اوکراین به نحوی خاتمه داده شود. پایان آن جنگ اتفاقاً به نفع ایران است برای این که آلوده شدن به آن جنگ را پایان می‌دهد و این بهانه علیه ایران را از بین می‌برد اما رویکرد ترامپ نسبت به ایران پیچیده است و به راحتی نمی‌توان آن را پیش‌بینی کرد.» او ادامه داد: «رویکرد دولت ترامپ به ایران، ارتباط زیادی به این دارد که ایران چه سیاستی را در پیش می‌گیرد. ایران باید تصمیم بگیرد که می‌خواهد سیاست پیشین در قبال اسرائیل را ادامه دهد یا به کشورهای عربی بپیوندد که یک برنامه تعامل و صلح را دنبال می‌کنند.» مجلسی با اشاره به واکنش‌های مقامات کشورمان، خاطرنشان کرد: «مقامات کشورمان نسبت به بایدن اظهار عدم رضایت می‌کردند و نسبت به تصمیم‌های ترامپ نگران‌اند. امید این است که ترامپ به همان اندازه که در عرصه ستیزه‌جویی ممکن است خشونت به خرج دهد، در عرصه سازگاری نیز مشتاق باشد.»

کسی با چه جنسیت و حتی گفتمانی از سوی حزب معرفی شده باشد. حتی درباره هفت ایالت چرخشی نیز، روال رای‌دهی تقریباً ثابتی وجود دارد و برخی به دموکرات‌ها و برخی دیگر به جمهوریخواهان بیشتر گرایش دارند و در موارد خاص، رایی متفاوت می‌دهند.

اما اگر این نکته را هم نادیده انگاریم و رای ایالت‌های چرخشی را متاثر از کاندیدا و سیاست‌های اعلامی او بدانیم؛ درباره این هفت ایالت چرخشی نیز، طبعاً جنسیت کاندیدا تنها یک پارامتر در کنار پارامترهای بسیار کلان‌تر است؛ پارامترهایی همچون دو جنگ بزرگ اوکراین و غزه که سیاست خارجی بایدن را ضعیف و منفعل نشان داد و طبیعتاً، هریس هم در مقام معاون بایدن از نظر رای‌دهندگان، ناتوان و ناکارآمد بوده است. عملکرد اقتصادی دموکرات‌ها نیز گرچه مثبت تلقی می‌شود، اما احتمالاً برای بخشی از رای‌دهندگان سیاست‌های رادیکال و تجارت‌محور ترامپ منافع شخصی و گروهی بیشتری در پی دارد که رای آنها را نسبت به چهار سال قبل تغییر داده است. پس از این سیاست‌ها و رویکردهای کلی و کلان که گروه‌ها و نیروهای موثر در انتخابات با آن احساس قرابت یا رقابت می‌کنند، است که تازه نوبت به شخصیت کاندیدا می‌رسد که بر تصمیم رای‌دهندگان تاثیر گذارد. در میان ویژگی‌های شخصی کاندیداها نیز، جنسیت صرفاً یکی از پارامترهاست. در واقع، مردان بسیاری را می‌توان در آمریکا یافت که به هیلاری کلینتون یا کامالا هریس رای داده‌اند و متقابلاً، زنان زیادی هستند که رای خود را به سود ترامپ به صندوق انداخته‌اند. دلیل این تفاوت رای حتی اگر گرایش حزبی و یا سیاست‌ها و عملکردها و مواضع دو کاندیدا نباشد و صرفاً بر اساس ویژگی‌های شخصی آنان باشد، باز هم نمی‌توان رای به ترامپ را با برچسب صرفاً جنسیتی تحلیل کرد؛ حتی اگر از او در ذهن خود، یک چهره ضدزن، لاابالی در روابط و بددهن و فحاش و تحقیرگر زنان تصویر کرده باشیم. در اینجا، شاید مناسب‌تر باشد به آیتمی همچون ویژگی‌های کاریزماتیک که ترامپ از آن برخوردار است، ارزش و اصطلاحاً کردیت بیشتری بدهیم تا اینکه ساده‌ترین کار را انجام دهیم و رای‌دهندگان و جامعه آمریکا را زن‌ستیز بخوانیم. ترامپ فارغ از آنکه با سیاست‌ها و شعارهایش در عرصه‌های اقتصادی و سیاست داخلی و خارجی موافق باشیم یا نه؛ شخصیتی کاریزماتیک است. او واجد نوعی کاریزمای ضدساختار و رویکرد و بیانی نامتعارف است که گرچه در سطح نخبگان (حتی طیفی از رهبران جمهوریخواه) مخالفان جدی دارد، اما برای بخش قابل‌توجهی از رای‌دهندگان دارای جذابیت است. بخش مهمی از جذابیت و کاریزمای ترامپ برآمده از خودساختگی و توانایی است که او در حوزه تجارت و نیز تبلیغات از خود نشان داده و حامیان او با نگاهی عمدتاً ناسیونالیستی انتظار دارند همین توان را در تقویت موقعیت و وجهه ایالات متحده در سطح جهان نیز به نمایش گذارد. شعار «اول آمریکا» در کنار وجه ناسیونالیستی که دارد و در ضدیت با جهان‌گرایی دموکرات‌ها و چپ‌ها قرار می‌گیرد؛ از منظری دیگر، بازتولید شعاری است که ترامپ زندگی و شخصیت خود را بر اساس آن تعریف کرده و پیش برده است. شعار شخصی ترامپ در یک کلام این است: «اول خودم». و شعار آمریکایی‌های حامی او نیز این است: «اول خودمان». این، یک شعار هویتی است با نماینده‌ای کاریزماتیک. طبیعی است که جنسیت در برابر هویت و کاریزما حرفی برای گفتن نداشته باشد...

سمفونی خطوط

کیوان زرگری

عکس نوشت

آخرین مهمان

درباره فیلم «lee»، مُدلی که عکاس شد

امیر جدیدی
عکاس و روزنامه‌نگار

«لی میلر»، یک زن آمریکایی بود که به واسطه مادلینگ به عرصه هنر پا گذاشت. مدتی در پاریس به‌عنوان مدل به فعالیتش ادامه داد و به جایی رسید که عکس‌هایش در مجله وُگ به چاپ می‌رسیدند. دنیای مد و فشن اما، لااقل در زمان جنگ جهانی بی‌رحم‌تر از آن بود که بشود در آن رشد کرد، ماند و پیر شد. اینکه می‌گویم پیر نه آنکه فکر کنید صورتش پر از چین و چروک و کمرش تا شده باشد. همین که یک پر گوشت به تن مدلی اضافه می‌شد و زیر چشمش کمی پف می‌کرد از دور بازی خارجش می‌کردند و... لی میلر اما بعد از بازنشستگی اجباری از مدل بودن به واسطه دوستی با «من ری» شروع به عکاسی کرد. شانسش زد و دوران عکاس بودنش همزمان با جنگ جهانی دوم شد و به خودش آمد و دید که جنگ در خانه‌اش را زده است. این‌بار اما اوول کن ماجرا نبود. در لندن خودش را مشغول عکاسی از جنگ کرد و طولی نکشید که چنان در دل جنگ فرو رفت که توانست در وان حمام هیتلر بخوابد و از خودش عکس بگیرد. میلر در دوران جنگ توانست تصاویر تکان‌دهنده‌ای از جنایت نازی‌ها را به تصویر بکشد و خودش را به عنوان یکی از تاثیرگذارترین عکاسان جنگ در تاریخ ماندگار کند.

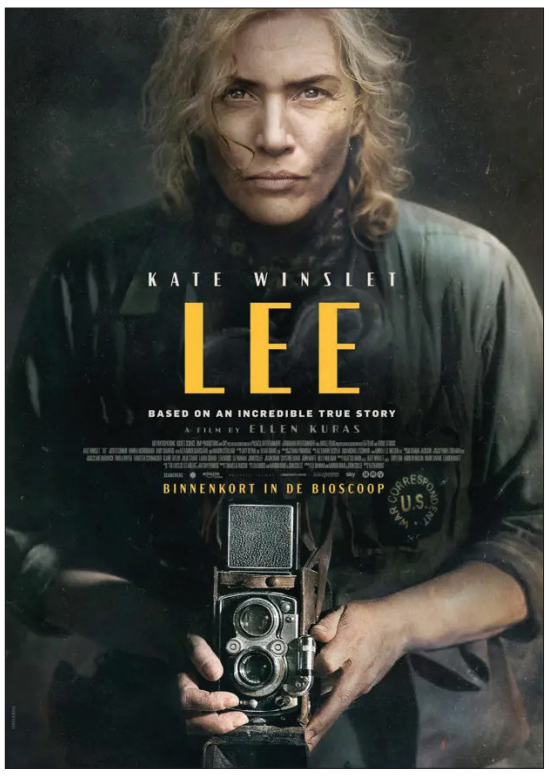

با این پیش‌زمینه شروع به دیدن فیلم Lee به کارگردانی Ellen kuras کردم. قبل از فیلم عکس‌های لی را دیده بودم و برایم جذاب بود بفهمم چه چیزی باعث شد که یک مدل مجله وُگ تبدیل به یکی از مهم‌ترین و تاثیرگذارترین عکاسان جهان شود. فیلم یک درام تاریخی است که براساس زندگی واقعی این عکاس ساخته شده. «کیت وینسلت» نقش لی را بازی کرده و راستش را بخواهید کمی برای این نقش پیر شده، اما احتمالاً شمای خواننده بهتر از هر کسی می‌دانید که بعید است به کیت نقشی بدهند و او از پسش برنیاید. درام جلو می‌رفت و همچنان به جواب سوالم نمی‌رسیدم تا یک جایی از فیلم وسط جنگ و خرابی درست بعد از آزادسازی فرانسه شوهر لی به دیدنش می‌آید و از او می‌خواهد که به خانه برگردد و روایت جنگ را به دست باقی عکاسان بسپارد. لی اما یکی دو سکانس بعد وقتی علی‌رغم میل شوهرش به سمت خط مقدم می‌رفت جواب سوالم را داد. او در دیالوگ عجیبی خطاب به دوستش که از او پرسید «چه شد که برنگشتی و به خط مقدم آمدی؟» گفت: «چون من همیشه آخرین نفر از مهمانی بیرون می‌زدم.» حالا که به جواب لی و به عکس‌های او نگاه می‌کنم، دوست دارم به او بگویم چه خوب شد که آخرین نفر از مهمانی بیرون زدی.